

سوال ۱- تاریخ را از نظر لغت و اصطلاح تعریف کنید و دیدگاه های اندیشمندان در زمینه تاریخ را بگویید.

پاسخ :تاریخ از نظر لغت: به معنی تعیین و شناساندن وقت است.

تاریخ از نظر اصطلاح: معلوم کردن احوال انبیاء و امامان و فرمانروایان، وزراء و خلفاء و حوادث بزرگ مانند جنگ ها و فتوحات برحسب زمان.

اکثریت مورخان: تاریخ را مجموعه وقایع کره زمین از آغاز پیدایش انسان تا به امروز می دانند. پل ارتباطی میان نسل های متوالی بشر برای دستیابی به تجربه ها و اندوخته های پیشینیان است.

تعریف تاریخ از نظر دانشمندان

1. هرودوت پدر تاریخ: تاریخ را به معنای مطالعه و بررسی روزگاران گذشته می داند .
2. ابن خلدون پایه گذار علم عمران: تاریخ را دانشی سرچشمه گرفته از حکمت می داند که بیانگر سرگذشت ملت ها، سیره پیامبران و سیاست پادشاهان می داند .
3. شهید مطهری: تاریخ را از منابع معرفت انسانی می داند که به دو بخش نقلی و علمی تقسیم می شود که قواعد استنباطی علمی به حال و آینده تعمیم پذیر است .
4. زرین کوب: تاریخ دانش وقوف بر تکامل و تغییر موجودی اندیشمند به نام انسان در فضای زمان و مکان است که مطالعه آن موجب انبساط بینش، درک و بصیرت انسان در راستای نیل به اهداف مطلوب او به گونه ای واقع بینانه می شود.

سوال ۲. انواع تاریخ از نظر شهید مطهری

پاسخ: شهید مطهری تاریخ را از منابع معرفت انسانی می داند و آن را به دو بخش نقلی و علمی تقسیم می کند که قواعد استنباطی علمی به حال و آینده تعمیم پذیر است.

1. تاریخ نقلی :علم به وقایع و حوادث سپری شده و آگاهی از اوضاع و احوال گذشتگان است. زندگینامه ها، سیره ها و فتح نامه ها از این نمونه هاست. این علم به *بودن ها*ست، زیرا به گذشته تعلق دارد.

2. تاریخ علمی: مطالعه، بررسی و تحلیل وقایع گذشته و استنباط قواعد و سنت‌های حاکم بر زندگی گذشتگان است.

3. فلسفه تاریخ: برد فلسفه در زندگانی بشر. سنن و قوانین دقیقی بر زندگی بشر حاکم است که او را در مسیر زندگی به جلو می‌برد. فلسفه تاریخ عهده‌دار بررسی و کشف این سنن حاکم بر وقایع تاریخی و تبیین کم و کیف تکرار آنهاست.

سوال ۳. مهم‌ترین ویژگی‌های جزیره‌العرب

پاسخ:

۱. پراکندگی جمعیت: جزیره‌العرب به‌ویژه منطقه حجاز در آغاز بعثت، جمعیتی اندک و پراکنده داشت. تنها چند نقطه مانند مکه، مدینه، خیبر و طائف بودند که مردم به‌صورت متمرکز زندگی می‌کردند.

۲. فقدان دولت مرکزی: در زمان ظهور اسلام، سرزمین حجاز فاقد یک دولت مرکزی بود و مردم به‌صورت قبیله‌ای و پراکنده زندگی می‌کردند. هیچ عامل مشترکی برای اتحاد قبایل وجود نداشت. با ظهور اسلام، دولتی قوی و قدرتمند در برابر آن وجود نداشت و دین جدید نیز برای همه اعراب دشمن مشترک تلقی نمی‌شد.

۳. دین: آمیختگی نژادی و تفاوت شیوه‌های زندگی در شبه‌جزیره و هم‌جواری با صاحبان اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون، باعث پیدایش عقاید مختلف شده بود. علاوه بر شرک و بت‌پرستی که آیین اکثر مردم جاهلیت بود، ادیانی مانند حنفیت، یهود، مسیحیت، زرتشتی و ستاره‌پرستی نیز در آنجا رواج داشت.

۴. تمدن بشری :

شبه‌جزیره عربستان از نظر تمدن به دو بخش تقسیم می‌شد :

-جنوب (یمن): حاصلخیز، پردرآمد و سرزمین مبارک .

-شمال و مرکز (حجاز): خشک، کم‌باران و متکی به صحرانشینی و دامداری.

۵. اقتصاد و تجارت :مکه در مسیر تجاری یمن و شام قرار داشت. کاروان‌های قریش کالاهایی مانند پارچه، پوست، اسلحه، عطر، گندم، زیتون، ابریشم و... را بین شهرها مبادله می‌کردند. منابع اقتصادی دیگر شامل پرورش دام، غارت، قمار و... بود.

سوال ۴. علل مخالفت سران قریش مکه با دین اسلام*

چرا قریش از همان سال‌های اول دعوت پیامبر با آن حضرت به مخالفت برخاستند؟

پاسخ:

1. جهت‌گیری دینی و توحیدی دعوت :اسلام با الهه‌ها و خدایان اعراب مخالفت می‌کرد و آن‌ها را نفی و انکار می‌نمود.
2. رقابت‌های قبیله‌ای و حسادت :قریش به موقعیت ارزشی بنی‌هاشم و فرزندان عبدالمطلب حسادت می‌ورزیدند.
3. بشر بودن پیامبر :آن‌ها نمی‌پذیرفتند که یک انسان عادی پیامبر باشد.
4. روی آوردن مستضعفان به پیامبر :گرایش طبقات پایین جامعه به پیامبر برای اشراف قریش تهدید تلقی می‌شد.
5. اعتقاد به جبر :برخی از مشرکان معتقد بودند که اگر گمراه هستند، این خواست خداست.
6. درخواست‌های نابجا و ناممکن :از پیامبر درخواست معجزات خاص و غیرمنطقی داشتند.
7. اطاعت کورکورانه از نیاکان :به سنت‌های آبا و اجدادی خود پایبند بودند و حاضر به تغییر نبودند.
8. گرایش و وابستگی به دنیا :ترس از دست دادن منافع اقتصادی و اجتماعی باعث مخالفتشان با اسلام شد.

سوال ۵. اقدامات مشرکین علیه نهضت پیامبر**

۱. شگردهای مسالمت‌آمیز :مشرکان نزد ابوطالب رفتند و از او خواستند یا محمد را از ادامه کار باز دارد یا او را به آنان واگذارد.

۲. نیرنگ‌های مردم‌فریب : آن‌ها فکر می‌کردند می‌توانند با وعدهٔ فرمانروایی، زیباترین همسر، مال و ثروت، پیامبر را از رسالتش باز دارند.

۳. اقدامات علیه بنیان فکری نهضت :

-تحریم شنیدن قرآن که به‌صورت قانون درآمد .

-ایجاد هیاهو و جنجال هنگام تلاوت قرآن .

-اسطوره، افسانه و شعر شمردن قرآن .

-سرگرم کردن مردم با معرکه‌گیران و داستان‌های مردم‌پسند.

۴. اقدامات علیه حامیان نهضت :

-دشوارسازی شرایط زندگی اسلام‌آوردگان و آزار آنان .

-تحریم اقتصادی .

-تاراج اموال.

سوال ۶. واکنش مشرکان نسبت به پیامبر و پیشنهادهای آن‌ها به پیامبر**

پاسخ: با شدت گرفتن مبارزه پیامبر اسلام با شرک و بت‌پرستی، واکنش مشرکان نیز گوناگون شد و مرحله به مرحله عقب‌نشینی کردند. در نهایت، برای ایمان آوردن خود، پیشنهادهایی را مطرح کردند که به شرح زیر است:

1. درخواست انجام معجزه خاص : مانند جاری شدن چشمه‌ها و نهرها، ایجاد باغ‌های سرسبز در سرزمین بی‌آب و علف، یا داشتن خانه‌ای پر از طلا. همچنین می‌گفتند اگر پیامبر راست می‌گوید، برای آن‌ها عذابی نازل کند.

2. طرد مسلمانان فقیر : اظهار می‌کردند که اگر پیامبر فقرا را از خود براند، آن‌ها ایمان خواهند آورد.

3 درخواست تشریک بت‌ها در عبادت : گروهی از قریش نزد پیامبر آمدند و گفتند: «ای محمد! بیا تو یک سال خدایان ما را پرستش کن و ما هم یک سال خدای تو را عبادت می‌کنیم.» در پاسخ، خداوند سوره کافرون را نازل کرد.

4 درخواست تغییر برخی از آیات قرآن : قریش از پیامبر خواستند که قرآن را کنار بگذارد و قرآن دیگری بیاورد یا آن را تغییر دهد. به‌ویژه آیاتی را که در آن‌ها عبادت بت‌ها منع شده بود، حذف کند.

5 مشورت مشرکان مکه با یهود نجران درباره پیامبر (ص) : مشرکان برای آزمودن پیامبر، نزد یهودیان رفتند و از آن‌ها خواستند سؤالاتی مطرح کنند. یهودیان سه سؤال پیشنهاد دادند :

- درباره چند جوانی که از شهرشان بیرون رفتند و در غار خوابیدند (اصحاب کهف)

- درباره داستان موسی و دانشمندی که از او پیروی کرد (حضرت خضر)

- درباره شخصی که به مغرب و مشرق سفر کرد و به سد یاجوج و ماجوج رسید (ذوالقرنین)

همچنین درباره زمان قیامت پرسیدند. خداوند پاسخ این سؤالات را در سوره کهف و سوره اعراف نازل کرد.

سوال ۷. چهره سیاسی و اجتماعی جهان عصر پیامبر در چه محورهایی استوار بود؟**

پاسخ: چهره سیاسی و اجتماعی جهان آن روز را می‌توان در محورهای زیر ترسیم کرد:

1. جهان آن روز میان دو قدرت بزرگ ایران و روم تقسیم شده بود.

2. نیروی دو ابرقدرت بر اثر جنگ‌های طولانی ناشی از منازعات سیاسی و مذهبی به تحلیل رفته بود.

3. هر دو ابرقدرت از ظهور قدرت سوم به نام اسلام بی‌اطلاع بودند و در واقع زمانی متوجه قدرت اسلام شدند که نامه پیامبر (ص) به آنان رسید.

4. دین زرتشت، ضعیف و ناتوان گشته بود و پیروان دین مسیح دچار اختلاف و نزاع بودند.

5. نزاع میان مسیحیان سبب مهاجرت آنان از روم به ایران شد و مایه رواج مسیحیت در این کشور گردید.

6. ایران تحت حاکمیت نظام طبقاتی بود و ظلم و ستم پادشاهان و فشارهای مالیاتی بر مردم بسیار زیاد بود.

7. ستم پادشاهان ایران، مردم را بر سر دو راهی پذیرش ستم یا جنگ قرار داده بود و سیاست‌های جنگی حکومت، فشار مالی سنگینی را بر دوش مردم نهاده بود.

سوال ۸. مراحل تبلیغ دین اسلام **

پاسخ: زندگی سراسر مبارزه و جهاد پیامبر اسلام پس از بعثت، شامل دو دوره پیش از هجرت و پس از هجرت است. دوره قبل از هجرت به مدینه را می‌توان دوران تبلیغ و مقاومت نامید. پیامبر در این دوره، شیوه‌های تبلیغی خاصی را اتخاذ کرد. مراحل تبلیغ دین اسلام در مکه به شرح زیر است:

1. دعوت سرّی :

دعوت پیامبر با شیوه تبلیغ سرّی آغاز شد که سه تا پنج سال طول کشید. پیامبر موفق شد با تماس‌های پنهانی، افراد مستعد را به آیین خویش فراخواند. ایمان‌آوردگان در این مرحله که به تدریج به چهل نفر رسیدند، ایمان خود را از مشرکان پنهان کرده و اعمال عبادی خود را دور از چشم آنان انجام می‌دادند.

2. دعوت خویشاوندان :

این مرحله با نزول آیه شریفه «وَ أَذِّبْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» آغاز شد. پیامبر بزرگان بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب را به مهمانی دعوت کرد. جلسه نخست با سخنان توهین‌آمیز ابولهب بدون نتیجه خاتمه

یافت، اما در جلسه بعد، پیامبر دوباره آن‌ها را به اسلام دعوت کرد و تأکید کرد که اولین ایمان‌آورنده، وصی، برادر و جانشین او خواهد بود. تنها علی (ع) برخاست و حمایت خود را اعلام کرد.

3. دعوت همگانی :

پس از دعوت خویشاوندان و ارزیابی‌های لازم، با نزول آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» پیامبر مأمور شد رسالت خود را به عموم مردم ابلاغ کند. از این رو، بر بالای کوه صفا رفت و با اجتماع قبیله‌های قریش، رسالت خود را آشکار کرد.

سوال ۹. شیوه‌های تبلیغی پیامبر اکرم (ص)**

1. پرهیز از خشونت و درگیری : روش پیامبر در برابر مشرکان، مسالمت‌آمیز و بر مبنای رعایت اصول اخلاقی اسلام بود. با وجود آزارهای دشمنان، هرگز در صدد انتقام‌جویی و برخورد خشونت‌آمیز برنیامد. به‌عنوان نمونه، در سال هشتم هجری پس از فتح مکه و چیرگی بر قریش، آنان را مورد عفو قرار داد.

2. حفظ نیروهای مؤمن : رسول اکرم (ص) از یک سو از برخورد قهرآمیز با کافران پرهیز داشت و از سوی دیگر در حفظ نیروهای مؤمن و عناصر حزب‌الله می‌کوشید؛ زیرا اگر چنین نمی‌کرد، با جو ارباب و تهدیدی که قریش علیه او و یارانش ایجاد کرده بود، نه کسی جرأت ایمان آوردن داشت و نه مؤمنان ایمنی و آسایش.

3. استفاده از فرصت‌ها :

پیامبر از هر فرصتی برای تبلیغ دین اسلام بهره می‌جست. یکی از فرصت‌های تبلیغی برای آن حضرت، مراسم حج و اجتماع قبیله‌های حجاز در مکه جهت انجام مراسم عبادی و داد و ستد در بازارهای معروف مکه بود.

ادامه سوال ۹. شیوه‌های مبارزه مشرکان با پیامبر و یارانش**

پاسخ: شیوه‌های مشرکان در مبارزه با پیامبر اکرم (ص) و یارانش به شرح زیر است:

1. شکایت از پیامبر و تطمیع : پس از علنی شدن دعوت پیامبر، سران قریش نزد ابوطالب آمدند و از او خواستند که دست از حمایت محمد بردارد؛ چرا که او به خدایانشان ناسزا می گوید و از دین و عقایدشان عیب جویی می کند. مشرکان حتی پیشنهاد دادند که اگر پیامبر از عیب جویی خدایانشان دست بردارد، او را صاحب اختیار اموالشان می کنند، ثروتمندش می سازند، به ریاست می رسانند و حتی به سلطنت می گمارند.
2. تهمت های ناروا : وقتی مشرکان با موضع قاطع پیامبر روبه رو شدند، برای تخریب شخصیت او، تبلیغات گسترده ای به راه انداختند. آن ها پیامبر را: دروغگو، جادوگر، مجنون، شاعر، کاهن می نامیدند.
3. شکنجه و آزار یاران پیامبر : سران شرک علاوه بر آزار پیامبر، یاران او را نیز تحت شکنجه و فشار قرار دادند تا از ایمان خود دست بردارند.
4. آزار پیامبر (ص) : ابولهب و همسرش بیش از دیگران پیامبر را آزار می دادند. قریش کودکان بی ادب را بر سر راه پیامبر می گماردند تا او را مسخره کنند. هنگام نماز، شکمه شتر بر سر او می ریختند. پیامبر فرمود: «هیچ پیامبری در راه خدا به اندازه من اذیت نشد».
5. محاصره اقتصادی : چهل نفر از سران قریش قراردادی امضا کردند و آن را بر دیوار کعبه آویختند. طبق آن، هرگونه داد و ستد و وصلت با بنی هاشم و بنی مطلب ممنوع شد. پیامبر و مسلمانان به شعب ابی طالب پناه بردند و سه سال در شرایط سخت زندگی کردند.
6. مبارزه با قرآن : دشمنان اسلام که جاذبه معنوی قرآن را عامل موفقیت پیامبر می دانستند، تلاش کردند آن را بی ارزش جلوه دهند. داستان های رستم و اسفندیار را در برابر قصه های قرآن نقل می کردند، آیات الهی را مسخره می کردند و هنگام تلاوت قرآن، سر و صدا راه می انداختند.
7. نقشه قتل پیامبر (ص) : با افزایش قدرت اسلام، قریش تصمیم گرفتند پیامبر را به قتل برسانند. جوانانی از قبایل مختلف مأمور شدند شبانه به خانه پیامبر یورش ببرند. اما پیامبر شبانه از خانه خارج شد و علی (ع) را در بستر خود خواباند. قریش در تعقیب پیامبر ناکام ماند.

*سوال ۱۱. زمینه‌ها و عوامل هجرت پیامبر از مکه به مدینه**

1. آزار مسلمانان در مکه :

مشرکان مکه روز به روز بر آزار مسلمانان می‌افزودند و از هیچ ستمی علیه آنان دریغ نمی‌کردند. کار شکنجه جسمی و روحی مسلمانان به جایی رسیده بود که کسی جرأت اظهار ایمان نداشت. تحمل چنین وضعی برای پیامبر دشوار بود.

2. هجرت‌های پیشین : پیامبر پیش از هجرت به مدینه، مسلمانان را به نقاط امنی منتقل کرد :

- هجرت به حبشه به سرپرستی عثمان بن مظعون در سال پنجم بعثت

- هجرت به حبشه به سرپرستی جعفر بن ابی‌طالب

- هجرت بزرگ و تاریخ‌ساز پیامبر و یارانش از مکه به مدینه در سال چهاردهم بعثت

3. پیمان دفاعی یثربیان با پیامبر : در سال‌های یازدهم و دوازدهم بعثت، پیامبر در موسم حج با مردم یثرب دیدارهایی داشت که منجر به بیعت عقبه و پیمان دفاعی شد. در صورت هجرت پیامبر به یثرب، آنان متعهد شدند همان‌گونه که از زن و فرزند خود دفاع می‌کنند، از پیامبر نیز دفاع نمایند.

4. تصمیم قریش به قتل پیامبر : با گسترش اسلام در خارج از مکه، سران قریش وحشت‌زده شدند و تصمیم به قتل پیامبر گرفتند. در دارالندوه تصمیم گرفتند جوانانی از قبایل مختلف شبانه به خانه پیامبر یورش ببرند و او را به قتل برسانند. پیامبر از توطئه آگاه شد و شبانه از خانه خارج شد و علی (ع) را در بستر خود خواباند.

*سوال ۱۲. کارهای اساسی یا مهم پیامبر در منطقه قبا**

1. تأسیس مسجد قبا : پیامبر اکرم (ص) در مدت کوتاهی که در منطقه قبا حضور داشتند، دستور ساخت مسجد قبا را صادر فرمودند. این مسجد، اولین مسجدی بود که در اسلام بنا شد.

2. توقف در قبا برای استقبال از حضرت علی (ع) : پیامبر (ص) در قبا منتظر رسیدن قافله حضرت علی (ع) و زنان همراه او ماندند. این قافله به نام قافله فواطم شناخته می‌شد.

3. استقبال از حضرت علی (ع) : هنگام ورود حضرت علی (ع) به منطقه قبا، پیامبر (ص) به استقبال او رفتند.

4. تخریب بتخانه کوچک قبا : پیامبر (ص) در قبا، بتخانه کوچکی را که در آن منطقه وجود داشت، تخریب کردند.

سوال ۱۳. برخی از کارشکنی‌ها و توطئه‌های یهود در مدینه با پیامبر **

1. تبلیغ علیه پیامبر : یهودیان، نماز گزاردن پیامبر (ص) و مسلمانان به طرف بیت‌المقدس را وسیله تبلیغ علیه اسلام قرار دادند. گاهی می‌گفتند: «محمد با دین ما مخالف است، اما به طرف قبله ما نماز می‌خواند.» یا می‌گفتند: «ما به او یاد دادیم که به کدام طرف نماز بخواند.» و یا اینکه: «در تورات خوانده‌ایم پیامبر موعود به دو قبله نماز می‌خواند، پس محمد آن پیامبر نیست.» پس از نزول آیه تغییر قبله، مسلمانان رو به کعبه نماز خواندند و یهودیان ناکام ماندند.

2. القاء شک در بین مسلمانان : یهودیان می‌گفتند: «در قرآن تناقض وجود دارد.» همچنین با هم قرار می‌گذاشتند که اول روز به اسلام ایمان بیاورند و آخر روز از آن برگردند تا القا کنند که چون حقیقتی در این دین نیافتیم، برگشتیم.

3. آتش‌افروزی علیه اسلام : یهودیان مشرکان مکه را به پایداری بر شرک و بت‌پرستی تشویق می‌کردند و می‌گفتند: «آیین شما از آیین محمد بهتر است.» پس از اخراج بنی‌نضیر از مدینه، سران آن‌ها نزد ابوسفیان رفتند و خواستار جنگ با پیامبر شدند و حتی یک سال محصول خرما را به قریش وعده دادند. این تلاش‌ها منجر به جنگ احزاب شد.

4. ایجاد اختلاف بین مسلمانان و برانگیختن کینه‌های عصر جاهلیت

5. جاسوسی برای مشرکان مکه

6. کتمان حقایق و گمراه کردن مردم

7. توطئه قتل پیامبر اکرم (ص)

سوال ۱۴. شیوه‌های منافقین در مبارزه با حکومت اسلامی (چند نمونه) **

منافقین پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، در درون جامعه اسلامی به مخالفت و کارشکنی پرداختند. هر یک از این دو گروه (یهود و منافقین) دارای شیوه‌های مبارزاتی خاصی بودند. شیوه‌های منافقین در مبارزه با حکومت اسلامی عبارت‌اند از:

1. ایجاد تفرقه در امت اسلامی : منافقان که آثار دینی، سیاسی و اجتماعی مسجد را دیدند، تصمیم گرفتند از این راه بین نیروهای مؤمن تفرقه بیندازند. بهترین راه رسیدن به این هدف، ساختن مسجد بود. آن‌ها با این پوشش دینی، مسجدی ساختند و از پیامبر خواستند آن را افتتاح کند. فرشته وحی نازل شد و نیت آن‌ها را آشکار ساخت. پیامبر دستور داد آن مسجد را خراب و بسوزانند. این مسجد به نام مسجد ضرار شهرت یافت.

2. کارشکنی در جنگ‌ها : منافقان در هیچ جنگی صادقانه و بدون جنجال شرکت نکردند. پیوسته به بهانه‌های واهی از رفتن به جبهه خودداری می‌کردند و گاهی که در جبهه حضور می‌یافتند، تفرقه و کارشکنی می‌کردند. در نهان با دشمنان اسلام رابطه دوستانه داشتند و در مواقع حساس از آن‌ها جانبداری می‌کردند.

3. چند نمونه از تفرقه‌افکنی منافقین در مقابل مسلمانان:

- جنگ احد : منافقان ابتدا همراه مسلمانان از شهر بیرون آمدند، ولی در بین راه از شرکت در جنگ خودداری کردند و حدود ۳۰۰ نفر از بین راه برگشتند.

- جنگ خندق : در این جنگ، منافقان همواره در تلاش برای تضعیف روحیه رزمندگان اسلام بودند. آن‌ها با شایعه‌پراکنی، مسلمانان را می‌ترساندند، نیروهای دشمن را بزرگ جلوه می‌دادند و مردم را به ترک شهر فرا می‌خواندند. همچنین به بهانه‌های واهی، خط مقدم جبهه را ترک می‌کردند.

- جنگ تبوک : منافقان به سرکردگی عبدالله بن ابی از رفتن به جنگ سرباز زدند. وقتی سپاه اسلام در خارج از مدینه اردو زد، منافقان نیز اردوگاه خود را پایین‌تر و نزدیک‌تر به شهر برپا کردند. سپس به شهر بازگشتند. مهم‌ترین توطئه آن‌ها در این جنگ، کمین در مسیر راه پیامبر برای ترور ایشان بود.

سوال ۱۵. دلایل شکست جنگ احد چیست؟ و شیوه‌هایی که پیامبر برای بسیج نیروهای جهادگر به کار می‌گرفت کدام‌اند؟**

#####دلایل شکست جنگ احد:

1. غرور ناشی از پیروزی در جنگ بدر
2. نافرمانی از دستور فرمانده، خصوصاً ماجرای تپه تیراندازان
3. توجه به مادیات و غنائم جنگی
4. شایعه شهادت پیامبر
5. امتحان الهی که مسلمانان همیشه منتظر اعجاز و نصرت الهی نباشند
6. نشان دادن میزان ایمان و استقامت مردم
7. داشتن تجربه و تاکتیک قریش

#####شیوه‌هایی که پیامبر برای بسیج نیروهای جهادگر به کار می‌گرفت:

1. بدرقه و استقبال از رزمندگان
2. برخورد جدی با کانون‌های تبلیغاتی ضد جنگ و شایعه‌سازان
3. نوید پیروزی و تشویق رزمندگان
4. پیشگام نمودن خویشاوندان در صف مقدم جبهه
5. استفاده از ابزارهای تبلیغاتی مانند اشعار، سرود، تلاوت قرآن
6. مانورهای نظامی در هنگام اعزام نیروها
7. دعا و نیایش برای پیروزی رزمندگان
8. دیدار با مجروحان و دلجویی از آنان

سوال ۱۶. سه قیام علیه امویان صورت گرفته‌اند را نام ببرید **

پاسخ: در عصر امام سجاد (ع)، پس از فاجعه کربلا و بیداری مسلمانان، سه قیام مهم علیه حکومت امویان صورت گرفت:

1. جنبش توابین : نخستین واکنش مردمی به شهادت امام حسین (ع) بود. هسته مرکزی آن را پنج تن از شخصیت‌های برجسته کوفه به رهبری سلیمان بن صُرَد تشکیل می‌دادند. هدف اصلی آن‌ها انتقام خون شهیدان کربلا بود. شعارشان «یا لثارات الحسین» بود. در سال ۶۵ هجری با چهار هزار نیرو به جنگ عبیدالله بن زیاد رفتند و پس از نبردی دلیرانه، اکثریت آن‌ها به شهادت رسیدند.

2. قیام مدینه (واقعه حرّه) : در سال ۶۳ هجری به رهبری عبدالله بن حنظله و در اعتراض به فساد دستگاه یزید صورت گرفت. انقلابیون فرماندار یزید را از شهر بیرون کردند. اما سپاه یزید به فرماندهی مسلم بن عقبه مدینه را محاصره و پس از ورود، سه روز به قتل، غارت و تجاوز پرداخت.

3. قیام مختار : مختار ثقفی، از شخصیت‌های برجسته شیعه در کوفه بود که پس از آزادی از زندان، در سال ۶۶ هجری پرچم قیام را برافراشت. او با اخراج فرماندار اموی کوفه، قدرت را در دست گرفت و با شناسایی قاتلان شهیدان کربلا، در جنگ‌های متعدد، بیشتر آن‌ها را به هلاکت رساند.

سوال ۱۷. سه عامل مهم در پیدایش دانشگاه امام صادق (ع) **

1. تلاش‌های علمی امام باقر (ع) : امام باقر (ع) با احیای حدیث، پالایش روایات، تبیین فقه اهل بیت و نشر سایر علوم، پایه‌گذار نهضت علمی بزرگی شد که زمینه‌ساز تأسیس دانشگاه امام صادق (ع) گردید.

2. آزادی نسبی دوران انتقال خلافت از امویان به عباسیان : در این دوره، به دلیل ضعف حکومت مرکزی و درگیری‌های داخلی، فضای نسبتاً بازتری برای فعالیت‌های علمی و فرهنگی فراهم شد که امام صادق (ع) از آن بهره برد.

3. نیاز جامعه به مرجع فکری و دینی : با گسترش فرقه‌ها و مکاتب فکری مختلف، جامعه اسلامی نیازمند مرجعی علمی و دینی بود که بتواند پاسخگوی شبهات و نیازهای فکری مردم باشد. دانشگاه امام صادق (ع) با هدف تربیت دانش‌آموختگان دین‌محور و آگاه به زمان، در پاسخ به این نیاز شکل گرفت.

سوال ۱۸. فعالیت‌ها و مبارزات امام هادی (ع) **

پاسخ:

1. تبیین و تثبیت موضع امامت : امام هادی (ع) از راه‌های مختلف و در برابر افراد و قشرهای گوناگون، موضع بر حق خود را تبیین می‌فرمود و حقانیت جانشینی پیامبر (ص) را که در او جمع بود، اثبات می‌کرد.
2. غیرمشروع دانستن خلافت خلفای عباسی : امام یاران خود را از هر نوع کمک و همکاری با عباسیان برحذر می‌داشت و بدین وسیله، مشروعیت حکومت آنان را رد می‌کرد.
3. حمایت معنوی از نهضت‌های علویان : امام گرچه نمی‌توانست آشکارا نهضت علویان را تأیید کند، اما هرگاه فرصتی پیش می‌آمد، به‌طور ضمنی آنان را از حمایت معنوی برخوردار می‌کرد.
4. رهبری جنبش مکتبی : امام از دو راه این جنبش را هدایت می‌کرد :

الف) از طریق ارتباط مستقیم و رهنمود به افراد

ب) از طریق نمایندگان و وکلای خود در مناطق مختلف

5. فراهم کردن زمینه غیبت امام مهدی (عج) : امام هادی (ع) با آگاه‌سازی تدریجی شیعیان، اذهان آنان را برای پذیرش مسئله غیبت آماده می‌کرد. این فعالیت‌ها در شعاعی محدود و با نهایت دقت و احتیاط انجام می‌شد.

6. مبارزه با افکار و جریان‌های منحرف : از جمله با غلات (افرادی که در توصیف امامان دچار افراط می‌شدند)، واقفیه (منکر امامت امام بعدی) و صوفیه مقابله می‌کرد.

7. پاسخگویی به شبهات اعتقادی : امام در برابر مکاتب فکری متعدد و انحرافی، درباره موضوعات مختلف عقیدتی سخن می‌گفت و با استناد به قرآن، دیدگاه اسلام را بیان می‌فرمود.

8. تربیت افراد مستعد : با وجود محدودیت‌های شدید، امام شاگردان زیادی را تربیت کرد. شیخ طوسی تعداد راویان حدیث از امام را ۱۸۵ نفر ذکر کرده است که برخی از آنان دارای تألیفات ارزشمند بودند.

سوال ۱۹- مراحل غیبت امام زمان چیست و نواب خاص آن حضرت را نام ببرید.

پاسخ: مراحل غیبت امام عصر(عج) دو مرحله داشت :

1. غیبت صغری ؛ از سال 261 ، شهادت امام حسن (ع) تا سال 329 به مدّلت هفتاد سال . در این دوره ، رابطه امام با مردم به کلّی قطع نشد بلکه کسانی با امام در ارتباط بودند که نوّاب خاص خوانده می شدند و شیعیان مشکلات و مسائل خود را از طریق نواب خاص به محضر امام (ع) عرضه می داشتند .

2. غیبت کبری ، این مرحله با سپری شدن غیبت صغری آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. در بیان رابطه بین دو دوره غیبت باید گفت اگر دوران غیبت کبری یکباره و ناگهانی رخ می داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهن ها آماده پذیرش آن نباشد. ولی ارتباط شیعیان با امام (ع) توسط نوّاب خاص و شرفیابی برخی از آنان به حضور امام (ع) در طول مدّلت غیبت صغری ، مسأله ولادت و حیات آن بزرگوار را بیش از پیش تثبیت ، و افکار را برای پذیرش غیبت کبری آماده ساخت.

نوّاب امام (ع) (همان گونه که غیبت امام (ع) دارای دو مرحله بود، نیابت آن حضرت نیز دو صورت دارد .

1. نیابت خاصّه : این نیابت مخصوص غیبت صغری بود که امام (ع) افرادی را به اسم به نام نایب خود معرفی فرمودند.

نوّاب خاص حضرت چهار نفر بودند که به ترتیب نیابت را عهده دار شدند و چون زمان مرگشان فرا می رسید، از طرف امام (ع) نایب بعدی را معرفی می کردند .

2. نیابت عامّ اله : این نیابت مختص غیبت کبری است بدان معنی که از سوی امام (ع) ضابطه ای کلّی ارائه شده تا در هر عصر، هر فردی که آن ضابطه را داشت، نائب آن حضرت شناخته شود.

سوال ۲۰. مراحل تبلیغ دین اسلام در مکه **

پاسخ: مراحل تبلیغ دین اسلام در مکه به سه مرحله تقسیم می شود:

1. دعوت مخفیانه : پیامبر (ص) ابتدا دعوت خود را به صورت مخفیانه آغاز کرد. این مرحله سه تا پنج سال طول کشید. پیامبر موفق شد با تماس های سری، افراد مستعد را به آیین خویش فراخواند. ایمان آورندگان در این مرحله که به تدریج به چهل نفر رسیدند، ایمان خود را از مشرکان پنهان کرده و اعمال عبادی خود را دور از چشم آنان انجام می دادند.

2. دعوت خویشاوندان : این مرحله با نزول آیه «وَ اَنْذِرْ عَشِیرَتَكَ الْاَقْرَبِینَ» آغاز شد. پیامبر بزرگان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب را به مهمانی دعوت کرد. جلسه نخست با سخنان توهین آمیز ابولهب بدون نتیجه خاتمه یافت، اما در جلسه بعد، پیامبر دوباره آن ها را به اسلام دعوت کرد و تأکید کرد که اولین ایمان آورنده، وصی، برادر و جانشین او خواهد بود. تنها علی (ع) برخاست و حمایت خود را اعلام کرد.

3. دعوت عمومی : پس از دعوت خویشاوندان و ارزیابی های لازم، با نزول آیه «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» پیامبر مأمور شد رسالت خود را به عموم مردم ابلاغ کند. از این رو، بر بالای کوه صفا رفت و با اجتماع قبیله های قریش، رسالت خود را آشکار کرد.